گزارش

### نقش میانجیگرانه مصر؛ با تماس‌های عبدالعاطی با عراقچی، گروسی و نمایندگان آمریکا و اروپا

## بازیگری تازه در معادله قدیمی

**وحیده کریمی:** در ماه‌های اخیر، جمهوری عربی مصر به‌ویژه با هدایت «بدر عبدالعاطی»، وزیر امور خارجه این کشور، نقشی پررنگ و رو به گسترش در یافتن راه‌حلی برای بحران هسته‌ای ایران ایفا کرده است؛ نقشی که از جنبه‌ای دیپلماتیک و میانجیگرانه، بی‌سابقه‌ترین موقعیت قاهره در چهار دهه گذشته را رقم زده است.

**تماس‌های هدفمند برای کاهش تنش**

در تازه‌ترین اقدام، وزیر خارجه مصر تماس‌های جداگانه‌ای با سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران و رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برقرار کرد. به گفته وزارت خارجه مصر، این تماس‌ها در چارچوب سیاست قاهره برای تحکیم ثبات منطقه‌ای، کاهش تنش‌ها و ترویج راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز انجام شده است. عبدالعاطی در گفت‌وگوی خود با طرف ایرانی، بر ضرورت پایبندی به دیپلماسی و ازسرگیری همکاری مؤثر با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأکید کرده است؛ پیامی که به‌صراحت نشان‌دهنده تلاش مصر برای بازگرداندن پرونده هسته‌ای به ریل گفت‌وگو و مذاکره است.

**دیپلماسی فعال و چندجانبه‌گرایانه قاهره**

این تحرکات فقط به تماس با تهران و آژانس محدود نمی‌شود؛ عبدالعاطی از ابتدای ژوئن ۲۰۲۵ با مقامات کلیدی دیگر همچون استیو ویتکاف نماینده ویژه آمریکا، وزرای خارجه کشورهای اروپایی (E3) و همچنین مقامات عمانی که همواره نقشی کلیدی در مذاکرات ایران و آمریکا داشته‌اند، وارد گفت‌وگو شده است. در شرایطی که تهدید فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» توسط اروپا بار دیگر مطرح شده است، مصر تلاش دارد از مسیر دیپلماسی و با اتکا بر جایگاه بی‌طرف خود، مانع از تشدید بحران شود. قاهره همچنین به‌وضوح اعلام کرده: «هیچ راه‌حل نظامی‌ای برای بحران هسته‌ای یا سایر چالش‌های منطقه‌ای وجود ندارد».

**تغییر در موازنه روابط ایران و مصر**

تحولات اخیر، نقطه عطفی را در روابط تهران و قاهره رقم زده‌اند. سفر سیدعباس عراقچی به قاهره و دیدارهای او با مقامات بلندپایه مصری از جمله عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر و شام مشترک او با دیپلمات‌های پیشین این کشور، نشانه‌ای از گرم‌شدن روابطی است که از زمان انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ تا امروز با بی‌اعتمادی تاریخی همراه بوده‌اند. تغییر نام خیابان «خالد اسلامبولی» به «شهید سیدحسن نصرالله» توسط تهران نیز حرکتی راهبردی و نمادین تلقی شد که مصر آن را «گامی مثبت» برای بازگرداندن روابط به مسیر درست دانست. این تغییر، گویی «آخرین مانع روانی» برای بازسازی روابط دوجانبه را برداشت و راه را برای گفت‌وگوهای رسمی هموار کرد.

**از بحران دریای سرخ تا نقش میانجی در جنگ اخیر**

روند گسترش نقش مصر فقط به مناسبات دوجانبه خلاصه نمی‌شود؛ در میانه حملات تجاوزکارانه اسرائیل و آمریکا به ایران، عبدالفتاح السیسی به‌طور مستقیم با مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، تماس گرفت و به‌صراحت گسترش تنش‌ها از سوی اسرائیل را محکوم کرد. این موضع‌گیری کم‌سابقه، مصر را در موقعیتی ویژه در میان کشورهای عربی قرار داد. از آن زمان، دیپلماسی مصر به‌ویژه توسط عبدالعاطی وارد فاز تازه‌ای شد. او تماس‌هایی هم‌زمان با گروسی، نماینده آمریکا و عمان برقرار کرد و تلاش‌هایی برق‌آسا برای احیای روند گفت‌وگوهای هسته‌ای در پیش گرفت.

**جایگاه ژئوپلیتیک و فرصت‌های تازه**

نزدیکی ایران و مصر، در سایه تحولات گسترده منطقه‌ای ممکن شده است. میانجیگری چین برای آشتی میان تهران و ریاض، یکی از مهم‌ترین موانع در برابر روابط ایران و مصر را از میان برداشت. اکنون قاهره می‌تواند بدون واهمه از واکنش شرکای عرب خود، وارد فاز همکاری مستقیم با تهران شود. افزون بر آن، چالش‌های اقتصادی جدی در دو کشور، از جمله بدهی‌های گسترده دولت مصر و تحریم‌های سنگین علیه ایران، آنها را به سوی همکاری‌های عملی در حوزه تجارت و گردشگری مذهبی سوق داده است.

**بازتعریف نقش مصر در منطقه**

تحرکات اخیر مصر نه‌تنها نشانه‌ای از احیای یک رابطه فراموش‌شده میان دو قدرت مهم خاورمیانه است، بلکه گویای بازتعریف جایگاه قاهره در ترتیبات امنیتی منطقه‌ای نیز هست. ورود فعال مصر به پرونده هسته‌ای ایران، آن‌هم در جایگاه یک میانجی بی‌طرف و مورد اعتماد طرف‌های غربی و شرقی، موقعیتی بی‌سابقه است که می‌تواند نقش منطقه‌ای این کشور را به طور چشمگیری ارتقا دهد. درحالی‌که تهدید جنگ و بن‌بست دیپلماتیک همچنان پابرجاست، دیپلماسی مصر، با تمرکز بر گفت‌وگو، کاهش تنش و پیشبرد راه‌حل‌های صلح‌آمیز، می‌تواند دریچه‌ای تازه در حل یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های امنیتی جهان بگشاید.

خبر

### اطلاعیه ستاد اربعین درباره زائرانی که با خودرو شخصی به شهرهای مرزی می‌روند

ستاد مرکزی اربعین تأکید کرد: زائران در زمان مراجعه به شهرهای مرزی، خودروهای خود را به پارکینگ‌های مجاز منتقل و از رهاکردن آنها در جاده و خیابان خودداری کنند. به گزارش مرکز اطلاع‌رسانی وزارت کشور، متن اطلاعیه شماره ۷ ستاد مرکزی اربعین به این شرح است:

بسمه تعالی، به اطلاع ملت عزیز و محبان اهل بیت(ع) و تمامی متقاضیان سفر اربعین حسینی می‌رساند: ۱- شرایط برای شروع سفر و زیارت اربعین برای تمامی دوستداران و مشتاقان حضرت اباعبدالله(ع) مهیا است و علاقه‌مندان از شرایط موجود می‌توانند استفاده کنند. ۲- در زمان مراجعه به شهرهای مرزی، خودروهای خود را به پارکینگ‌های مجاز منتقل و از رهاکردن خودروها در جاده و خیابان خودداری فرمایند. ۳- توصیه می‌گردد زائران گرامی که قصد سفر به عراق را دارند، سفر خود را به روزهای پایانی مراسم اربعین موکول نکنند. ۴- به تمامی زائران گرامی اربعین تأکید می‌گردد همچون همیشه اصول و مراقبت‌های بهداشتی را در معابر عمومی و مکان‌های زیارتی و اقامتی رعایت فرمایند. ۵- با توجه به گرمای هوا و احتمال مسمومیت و بروز بیماری‌های مختلف از غذاهای ساده، سبک و کم‌حجم استفاده نمایند.۶- با توجه به مصرف بسیار بالای آب و یخ و سختی تأمین آن در ایران و عراق، در مصرف صحیح و عدم اسراف آن تأکید می‌گردد. ۷- در صورت مفقودشدن گذرنامه جهت اخذ برگ عبور به کنسولگری‌ها مراجعه یا با شماره تلفن ۱۲۸ بدون نیاز به سیم‌کارت ایرانی و یا عراقی تماس بگیرند. ۸- زائران عزیز در طول سفر نسبت به مراقبت از وسایل و مدارک همراه خود کوشا باشند.

### مخالفت‌ها و موافقت‌ها؛ گفت‌وگو با نمایندگان زن مجلس درباره سرنوشت لایحه منع خشونت علیه زنان

# سهم اندک زنان در قانون‌نویسی

**زهرا اسماعیل‌زاده:** لایحه منع خشونت علیه زنان با گذشت بیش از ۱۵ سال هنوز اندر خم یک کوچه مانده است. گذر از فراز و فرودهای این لایحه پرچالش، آنچه در حافظه سیاسی تکرار می‌شود، چرخه‌ای آشناست؛ هر بار که جنایتی در حوزه زنان رخ می‌دهد و افکار عمومی را به التهاب می‌کشاند، از عالی‌ترین مقام اجرائی تا نمایندگان مجلس، وعده بازنگری و تصویب لایحه را می‌دهند. اما زمان که می‌گذرد، آن قانون نانوشته به فراموشی سپرده می‌شود و لایحه، همچنان در ایستگاه وعده‌ها متوقف مانده است.

لایحه‌ای که در دولت دهم کلید خورد اما برای نخستین بار در سال ۱۳۹۶ از سوی معاونت زنان وقت به مجلس ارسال شد. عنوان اولیه لایحه صرحتا به امنیت و خشونت اشاره می‌کند. این لایحه در پیچ‌وخم بهانه‌تراشی‌های مجلس یازدهم در انتظار بررسی در مجلس ماند. بعد از روی کار آمدن دولت سیزدهم، مجلس و دولت در کنار هم تغییرات وسیعی را در لایحه ایجاد کردند. در اولین گام هم واژه «خشونت» از لایحه حذف و نام آن به لایحه «ارتقای امنیت زنان در برابر سوءرفتار» تغییر داده شد؛ به‌علاوه تعداد مواد لایحه از ۷۷ ماده به ۵۱ ماده رسید و علت آن هم تطبیق لایحه با قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری اعلام شد. تغییرات اعمال‌شده بر لایحه به حدی گسترده و بنیادین بود که واکنش‌های انتقادی گسترده‌ای از فعالان حقوق زنان و حقوق‌دان‌ها را برانگیخت و فقط نمایی از لایحه اولیه را باقی گذاشت و از عنوان «تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» که در روشن‌ترین حالت ممکن هدف لایحه را مشخص می‌کرد، به لایحه «کرامت و حمایت از زنان و خانواده» رسیدیم، هرچه جلوتر می‌رویم، محوریت اصلی مسئله گم می‌شود. گویا نمایندگان مجلس معتقدند که مباحث مربوط به زنان اعم از خشونت خانگی، معابر عمومی و دیگر حوزه‌ها آن‌چنان که باید و شاید اهمیت و اولویت ندارد؛ این لایحه همان طرح ۸۲ماده‌ای است که در سال ۱۳۹۶ به مجلس ارائه شده بود و اکنون، در خرداد ۱۴۰۴، به دلیل تغییرات گسترده، به لایحه‌ای ۳۳ماده‌ای تبدیل شده که از سوی دولت سیزدهم مسترد شده است و لایحه به‌جای تمرکز بر تأمین امنیت زنان و کاهش خشونت علیه آنها، عمدتا بر تقویت نهاد خانواده و تدوین دستورالعمل‌هایی درباره پوشش کارکنان سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها متمرکز شده است؛ موضوعی که سبب شده ماهیت اصلی قضیه تحت تأثیر قرار گیرد.

بازپس‌گیری این لایحه، پس از بیش از ۱۴ سال تأخیر در بررسی، خود نمادی از کمبود اراده سیاسی و بلاتکلیفی قانونی را تداوم می‌بخشد و بار دیگر این پرسش را پیش می‌کشد که سهم واقعی زنان در نمایندگی چیست و آیا ساختار حاکم بر بهارستان توان پاسخ‌گویی به نیازهای حیاتی زنان را دارد؟ این در حالی است که براساس ارزیابی کارشناسان حقوقی، خلأهای قانونی در زمینه حمایت از زنان، یکی از عوامل مؤثر در تداوم چرخه خشونت و قتل‌های مبتنی بر جنسیت محسوب می‌شود. با وجود چنین ضرورتی، لایحه مذکور همچنان در پیچ‌وخم‌های فرسایشی بررسی‌ها معطل مانده است.

دراین‌میان با وجود افزایش تدریجی تعداد نمایندگان زن در ادوار مختلف، همچنان سهم آنان در مجلس شورای اسلامی بسیار اندک است و کمتر از پنج درصد کرسی‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. این سهم ناچیز نشان‌دهنده ساختار عمدتا مردسالارانه قوه مقننه است؛ ساختاری که مشارکت زنان را به حاشیه رانده و امکان نقش‌آفرینی مؤثر را از آنها سلب کرده است. زنان نه‌تنها در ترکیب کلی مجلس، بلکه در کرسی‌های کلیدی ازجمله هیئت‌رئیسه و کمیسیون‌های تأثیرگذار نیز حضوری کم‌رنگ دارند. بررسی عملکرد نمایندگان زن در دوره دوازدهم نیز مؤید همین روند است. در ۱۰ ماه نخست این دوره (سال ۱۴۰۳)، از میان ۱۴ نماینده زن، فقط ۱۳ نفر به طور محدود و نوبتی در صحن علنی مجلس سخنرانی کرده‌اند. این آمار نشان می‌دهد که مطالبات زنان و مسائل مرتبط با حقوق جنسیتی، همچنان در حاشیه دستورکار نهاد قانون‌گذار باقی مانده‌اند.

محدودیت‌ها فقط به کمّیت حضور زنان خلاصه نمی‌شود، کیفیت و نوع مشارکت نیز تأمل‌برانگیز است. سکینه سمیرم، نماینده ادوار پیشین مجلس، دراین‌باره گفته است: «خانم‌ها تمایلی به شرکت در صحنه‌های سیاسی ندارند؛ خانم‌هایی هم که امروز در مجلس حضور دارند، بیشتر دغدغه‌های اجتماعی دارند تا امور سیاسی». این اظهارنظر نشان می‌دهد که بخش درخور توجهی از نمایندگان زن تمرکز خود را بر موضوعات اجتماعی-فرهنگی گذاشته‌اند و کمتر در مباحث سیاسی و قانونی پیچیده ورود می‌کنند.

در چارچوب پیگیری سرنوشت لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت»، روزنامه «شرق» کوشید با ۱۴ نماینده زن دوره دوازدهم مجلس گفت‌وگو کند و از میان این افراد فقط پنج نفر موافق به گفت‌وگو شدند و الهام آزاد (نائین)، بهشید برخوردار (زرتشتیان)، زهرا سعیدی (اصفهان)، زینب قیصری (تهران)، شهین جهانگیر (ارومیه)، فاطمه جراره (بندرعباس)، فاطمه مقصودی (بروجرد)، فاطمه محمدبیگی (قزوین)، مریم عبداللهی (میانه) به تماس‌ها پاسخی ندادند یا عملا از مصاحبه امتناع کردند. این میزان نبود همکاری مستقیم در موضوعی با حساسیت بالا و اهمیت اجتماعی چشمگیر، بازتاب‌دهنده موانع ساختاری و سیاسی تأمل‌برانگیز است؛ این نسبت پایین پاسخ‌دهی، علاوه بر کمبود تمایل فردی، ممکن است نشان‌دهنده تردید یا بی‌اعتنایی بخش‌هایی از بدنه سیاسی به ضرورت تغییرات قانونی در حوزه حمایت از زنان باشد.

**عملکرد کمیته زنان و خانواده**

عالیه زمانی، نماینده ساری، به «شرق» گفت: «کمیته زنان و خانواده این کمیسیون، حدود ۳۰ جلسه با حضور نمایندگان نهادهای ذی‌ربط برگزار کرد؛ از جمله قوه قضائیه، وزارت کشور، معاونت امور زنان و خانواده و مرکز پژوهش‌های مجلس. براساس گزارش‌ها، پس از جمع‌بندی این جلسات، لایحه در چند نشست کمیسیون اجتماعی نیز بررسی و در نهایت با رأی، به هیئت‌رئیسه مجلس تقدیم شد. اما در ادامه، اظهاراتی از سوی معاونت زنان و برخی مسئولان دولتی مطرح شد مبنی بر مخالفت با نسخه نهایی یا اعلام تمایل به بازپس‌گیری آن. چنین رویکردهایی، بیش از آنکه در راستای ارتقای لایحه باشد، بازتابی از ضعف هماهنگی‌ها و نبود تعامل مؤثر بین قوا و نهادهای مرتبط است». حقیقت این است که این لایحه مشمول بررسی‌های متعدد بوده است؛ براساس گزارش‌ها، بیش از ۳۰ جلسه تخصصی با حضور نمایندگان دستگاه‌های مرتبط (از جمله قوه قضائیه، وزارت کشور و معاونت زنان)؛ بنابراین جایگاه زمانی اعمال نظرها پیش از نهایی‌شدن متن لایحه باید بوده باشد.

**نیازمند تعامل دولت و مجلس هستیم**

سمیه رفیعی، عضو فراکسیون زنان در مجلس، به «شرق» گفت: «هم دولت و هم مجلس باید با تعامل سازنده و رعایت اولویت‌بندی‌های کارشناسی، زمینه تصویب سریع آن را فراهم کنند. با تبدیل این لایحه به قانون، می‌توانیم گام مهمی در راستای تضمین کرامت زنان برداریم و به صورت عملی از آنان حمایت کنیم». دولت به‌تازگی لایحه را مسترد کرده و در صورت استرداد این لایحه، متن آن به عنوان طرح پیگیری خواهد شد و باید توجه داشت قانون‌گذاریِ شتاب‌زده بدون رفع کاستی‌های متن، ممکن است نتایج عملیِ مورد انتظار را تأمین نکند.

**لایحه در دست نهایی‌شدن است**

زهرا سعیدی، نماینده ملکان، هم به «شرق» گفت: «البته درحال‌حاضر رایزنی‌هایی میان دولت و مجلس در جریان است تا یا این لایحه دوباره با اعمال اصلاحات لازم به مجلس بازگردد و نظر دولت در آن لحاظ شود یا اینکه طرحی از سوی نمایندگان با همکاری دولت تنظیم و به صحن ارائه شود. هدف این است که لایحه‌ای مؤثر برای پیشگیری از خشونت علیه زنان تصویب شود؛ مسئله‌ای که متأسفانه در جامعه هم شاهد مصادیق تلخ آن هستیم، از جمله موارد قتل‌های اخیر. این موضوع هنوز به نتیجه نهایی نرسیده و باید منتظر ماند و دید که چه تصمیمی اتخاذ خواهد شد. در صورت بازگشت لایحه، بررسی آن در کمیسیون اجتماعی مجلس انجام خواهد شد و ما نیز تلاش می‌کنیم تمام جوانب آن مورد توجه قرار گیرد». همچنین سارا فلاحی، نماینده ایلام، درباره تغییرات این لایحه به «شرق» گفت: «لایحه دستخوش تغییراتی شد که هم خشونت از آن حذف شد و هم امنیت، درحالی‌که هدف اصلی، برقراری امنیت زنان از طریق منع قانونی خشونت علیه زنان بود. من نمی‌دانم چرا این‌قدر روی برخی واژگان حساس هستیم و فکر می‌کنیم اگر آنها را تغییر دهیم، همه چیز درست می‌شود. اینکه ما واژه خشونت را برداریم، در صورت‌مسئله (یعنی وجود خشونت علیه زنان) هیچ تغییری ایجاد نمی‌کند، بنابراین باید فارغ از حواشی سیاسی کمک کنیم که لایحه هرچه سریع‌تر مصوب شود که جلوی خشونت علیه زنان از طریق اعمال قانون گرفته شود و خشونت در همه ابعاد آن جرم‌انگاری شود».

**مصمم به تصویب لایحه هستیم**

زهره‌السادات لاجوردی، نماینده تهران، نیز به «شرق» گفت: مجلس شورای اسلامی مصمم است تا این موضوع را به تصویب نهایی برساند اما از دولت محترم انتظار می‌رود که به‌جای استرداد لایحه، کمک کند تا بعد از ۱۴ سال دیگر شاهد به تعویق انداختن این لایحه نباشیم. با وجود این، موضع رسمی دولت این است که متن کنونی لایحه دچار تغییرات بنیادین شده است. مشاور حقوقی پیشین امور زنان دولت گفته است: «به دلیل تغییرات اساسی در ساختار و ماهیت آن، استرداد [لایحه] در هیئت وزیران تصویب شده است». به عبارتی، دولت استدلال می‌کند نسخه نهایی دیگر «هویت اصلی» سند را حفظ نکرده و لازم است بازنگری شود. در عمل، کشمکش بر سر همین شکاف محتوایی باعث طولانی‌شدن روند شده است. تا زمانی که مجلس و دولت بر سر متن دقیق قانون توافق نکنند، این فرایند ادامه خواهد داشت.

**حضور کم‌رمق زنان در روند تصویب قوانین**

نتیجه این حضور کم‌رمق، در روند تصویب قوانین حوزه زنان نیز مشهود است. نمونه بارز آن، سرنوشت بلاتکلیف لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» است؛ لایحه‌ای که با وجود گذشت بیش از ۱۴ سال از آغاز تدوین، همچنان در مسیر تصویب نهایی درجا می‌زند. فقدان پشتوانه قانونی برای مقابله با خشونت علیه زنان، امنیت اجتماعی آنان را در وضعیت شکننده‌ای قرار داده است.

لایحه‌ای که زمانی با عنوان «تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» به مجلس رفت، پس از سال‌ها چانه‌زنی، تغییر واژگان کلیدی، تقلیل اهداف و جرح و تعدیل‌های پیاپی، سرانجام چنان از محتوای اولیه تهی شد که دولت ناچار به استرداد آن شد. آنچه در ظاهر اختلافی بر سر واژگان است، در باطن، تقابل دو قرائت سیاسی از جایگاه زن در جامعه است؛ از سویی مجلسی که با اصلاحات بنیادین، مسیر لایحه را به سمت حمایت‌های اخلاقی و دستوری هدایت کرد و از سوی دیگر دولتی که در نهایت نسخه تغییریافته را فاقد هویت دانست و آن را پس گرفت. این رخداد، بیش از آنکه یک عقب‌گرد در روند قانون‌گذاری باشد، نشانه‌ای روشن از گسست عمیق میان قوه مقننه و مجریه در قبال مطالبات بنیادین زنان است؛ گسستی که نه‌تنها زمان، بلکه جان می‌ستاند.

## لایحه‌ای که در مسیر تغییرات، کارایی خود را از دست داد

**علی نجفی‌توانا**
**رئیس اسبق کانون وکلای جرم‌شناس**

اخیرا در نشستی با هماهنگی معاونت ریاست‌جمهوری و معاونت امور زنان، بحثی مفصل، تفصیلی و در عین حال تخصصی درباره پدیده خشونت علیه زنان صورت گرفت. در این جلسه، لایحه‌ای که دولت در این زمینه ارائه داده بود، بررسی، تحلیل و نقد شد. این لایحه، علی‌رغم آنکه تا حدی قابل قبول به نظر می‌رسید و برخی اصول مقابله با خشونت علیه زنان را در خود داشت، اما به تدریج دستخوش تغییراتی شد؛ تغییراتی که آن را از لایحه به طرحی تبدیل کرد که نمایندگان مجلس ارائه داده‌اند. در حال حاضر، در حوزه‌هایی همچون جرم سیاسی، جرائم مطبوعاتی، خشونت علیه زنان و حتی مسئله حجاب، دو دیدگاه اصلی در حاکمیت وجود دارد؛ دیدگاهی که بازتر و منعطف‌تر است و نمود آن را می‌توان در همین لایحه مشاهده کرد که بیش از ۱۰ سال در مجلس معلق و بی‌نتیجه باقی مانده و دیدگاهی که از سوی برخی جریان‌های اصولگرا و ذهنیت‌گرایان دنبال می‌شود که بیشتر بر حفظ ارزش‌های ذهنی تأکید دارند و نسبت به الزامات و واقعیت‌های اجتماعی امروز، پاسخ‌گو نیستند. خشونت علیه زنان، مسئله‌ای صرفا اجتماعی نیست؛ ریشه در تاریخ، فرهنگ و ساختارهای مردسالارانه دارد. ساختاری که در آن، زن غالبا «مایملک» مرد تلقی می‌شده است و امروز نیز حتی در کشورهای اروپایی، چنین نگرشی به شکلی پنهان ادامه دارد؛ درحالی‌که زنان و دختران ما در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ثابت کرده‌اند که جز در تفاوت‌های فیزیکی، چیزی از مردان کم ندارند. در چنین شرایطی، جامعه مطالبه‌گر است. جامعه می‌پرسد اگر زن و مرد در قانون اساسی برابر هستند، چرا در بسیاری از قوانین این برابری دیده نمی‌شود؟ چرا در قوانین ما، شهادت، دیه و ارث زن و مرد برابر نیست؟ حتی در شرایطی که زن نان‌آور خانواده باشد، باز هم مرد «رئیس خانواده» شناخته می‌شود. این نابرابری‌ها، ریشه در دو مقوله اصلی دارند: نخست، بُعد فرهنگی که هنوز در بخش‌هایی از جامعه سنتی ما مقاومت می‌کند و دوم، خلأها و کاستی‌های قانونی. درحالی‌که جامعه امروز ما، به‌ویژه جوانان، در حال هدایت و حتی جهت‌دهی به تصمیمات مدیریتی کشور هستند، همچنان ساختارهای سنتی مقاومت می‌کنند. خشونت تعریفی روشن دارد: هر اقدام، هر رفتار، هر فعل یا ترک فعلی که موجب تضرر و تضییع ارزش‌های جنسی، جسمی، فرهنگی، تربیتی، آموزشی، دینی، سیاسی و... بین افراد جامعه شود، خشونت تلقی می‌شود. زنان در جامعه ما، هم قربانی خشونت عمومی‌اند و هم خشونت‌های خاص. مردانی که خود تحت فشارهای اقتصادی و اجتماعی هستند، گاه خود به خشونت‌گر تبدیل می‌شوند؛ و زنانی که یک بار در محیط کار، در پوشش، در اشتغال و در نابرابری‌های اجتماعی خشونت را تجربه کرده‌اند، دوباره قربانی خشونت این مردان می‌شوند. البته باید تأکید کرد که این کلی‌نگری نباید موجب نادیده‌گرفتن مردانی شود که امروز به جایگاه و ارزش واقعی زنان آگاه شده‌اند. در چارچوب این لایحه، ما می‌توانستیم در چند محور اساسی از حمایت برخوردار شویم: اول، پیشگیری از خشونت: نخستین و مهم‌ترین اقدام باید پیشگیری باشد. از جمله در زمینه‌هایی مانند قتل زنان که نمونه‌اش پرونده الهه حسین‌نژاد است. در چنین مواردی، اولیای‌دم زن باید برای اجرای قصاص، دیه پرداخت کنند. خوشبختانه با نگاهی واقع‌گرایانه در قانون، صندوقی برای جبران خسارت پیش‌بینی شده که در صورت ناتوانی خانواده زن، دیه را پرداخت می‌کند. پیشگیری فرهنگی نیز ضرورت دارد. آموزش ما در این زمینه بسیار ضعیف است. ما باید به مرد ایرانی بیاموزیم که زن، انسانی است همچون خود او؛ انسانی که او را به دنیا آورده و باید مورد احترام باشد. اگر رابطه‌ای مبتنی بر زور باشد، دیگر نمی‌توان از برابری سخن گفت. باید به مدیران یادآوری کرد که جایگاه‌ها باید براساس لیاقت توزیع شود، نه جنسیت. از منظر فقهی نیز با استفاده از فقه ثانوی می‌توان برابری حقوقی زن و مرد را محقق کرد. زنی که روزگاری محکوم بود در خانه بماند و بدون اجازه همسر حتی از خانه بیرون نرود، امروز تحصیل‌کرده، فعال اقتصادی و فرهنگی و مادری توانمند است؛ بنابراین می‌تواند در شهادت، مانند مرد دارای صلاحیت تلقی شود.

پیشگیری وضعی و پلیس: غیر از پیشگیری فرهنگی، باید به سمت پیشگیری وضعی و ایجاد ساختارهایی مانند پلیس ویژه پیشگیری از خشونت علیه زنان رفت. هرچند این موضوعات به شکلی ناقص در قانون دیده شده‌اند. واکنش قانونی و کیفری به خشونت: باید واکنشی برابر به خشونت نشان داد. همان‌گونه که خشونت علیه مردان مجازات دارد، خشونت علیه زنان نیز باید با همان عدالت و با همان شدت مجازات شود. در بسیاری از کشورهای جهان، نظیر فرانسه، زنان از حمایت‌های تقنینی و کیفری ویژه‌ای برخوردارند. در این کشورها، حتی خشونت علیه دختران باعث تشدید مجازات می‌شود.

حمایت اقتصادی، روانی و اجتماعی از زنان خشونت‌دیده: زنی که خشونت جنسی یا جسمی می‌بیند، دچار احساس تحقیر و خفت می‌شود و باید از او حمایت شود. باید بتواند به خود بگوید که انسان است. قربانی خشونت نباید بی‌پاسخ بماند، در غیر این صورت، با اختلالات روانی و اجتماعی مواجه خواهد شد. باید این امکان وجود داشته باشد که در صورت اثبات خشونت، مرد برای مدتی حق ورود به منزل را نداشته باشد. همچنین هزینه‌های اقتصادی زن باید از محل درآمد مرد تأمین شود. زنان نیاز دارند تحت درمان روان‌شناسی و جامعه‌شناسی قرار بگیرند و حمایت شوند تا به حالت تعادل بازگردند. متأسفانه، با وجود اینکه لایحه ارائه‌شده دارای نکات مثبت و درخور توجهی بود، مورد توجه و حمایت کافی قرار نگرفت. در نهایت، آنچه به‌جای این لایحه تدوین شد، طرحی بود که به‌جای تمرکز بر «پیشگیری از خشونت علیه زنان» -که باید عنوان و مضمون اصلی آن می‌بود- بر «حفظ کرامت و حمایت از زنان آسیب‌دیده» متمرکز شد. این یعنی ما باید منتظر بمانیم تا زنان‌مان خشونت و آسیب ببینند، آنگاه به حمایت از آنها بپردازیم؛ درحالی‌که هدف اساسی و انسانی ما باید پیشگیری از خشونت باشد، چه خشونت جسمی، چه جنسی، چه اخلاقی، تربیتی، فرهنگی و آموزشی. این پیشگیری باید در صدر اهداف قرار گیرد، نه واکنش منفعلانه پس از وقوع آسیب. من معتقدم حاکمیت باید نگاهی واقع‌بینانه‌تر داشته باشد و به‌روشنی درک کند که مطالبات زنان، دختران و نسل جوان ما چیست. اگر هدف ما بهره‌گیری از ظرفیت و توانمندی نیمی از جمعیت کشور است، باید به آنها اعتماد کرد، اعتمادبه‌نفس‌شان را بازگرداند و در تمامی زمینه‌ها از آنها حمایت کرد. بدون چنین نگاهی، نه‌تنها عدالت محقق نخواهد شد، بلکه انسجام اجتماعی نیز به خطر خواهد افتاد.

خبر

### با حکم رئیس‌جمهور
### احمدیان رئیس قرارگاه پیشرفت طرح‌های ملی و راهبردی کشور شد

رئیس‌جمهور در حکمی علی‌اکبر احمدیان، دبیر سابق شورای‌عالی امنیت ملی را به عنوان نماینده ویژه خود و رئیس قرارگاه پیشرفت طرح‌های ملی و راهبردی کشور منصوب کرد. به گزارش ایسنا، مسعود پزشکیان در حکمی ضمن انتصاب علی‌اکبر احمدیان به عنوان نماینده ویژه رئیس‌جمهور و رئیس قرارگاه پیشرفت طرح‌های ملی و راهبردی کشور تصریح کرد: ترکیب و یکپارچگی دو بال دولت و ملت، رفع موانع حضور و مشارکت مؤثر آحاد مردم و ایرانیان خارج از کشور و نیز سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و شکوفاسازی و به ثمر نشاندن ظرفیت‌های مردمی به‌ویژه جامعه نخبگانی کشور در دستیابی به اهداف کلان قرارگاه، از اهم انتظارات این‌جانب است. متن حکم رئیس‌جمهور به شرح زیر است: جناب آقای علی‌اکبر احمدیان، نظر به اهتمام ویژه دولت بر طرح‌های ملی و راهبردی کشور و با عنایت به شایستگی و تجربیات ارزشمند جناب‌عالی در دبیرخانه شورای‌عالی امنیت ملی و راهبری نهاد مردمی پیشران، به موجب این حکم به عنوان «نماینده ویژه رئیس‌جمهور و رئیس قرارگاه پیشرفت طرح‌های ملی و راهبردی کشور» منصوب می‌شوید. امید است با اتکال به خداوند متعال و در راستای منویات مقام معظم رهبری مدظله‌العالی و تحقق سیاست‌های کلی نظام، نسبت به راهبری و به‌کارگیری دستگاه‌های حاکمیتی و قابلیت‌های «نهاد مردمی پیشران» در پیشبرد بهنگام و شایسته این طرح‌ها همت گمارید. ترکیب و یکپارچگی دو بال دولت و ملت، رفع موانع حضور و مشارکت مؤثر آحاد مردم و ایرانیان خارج از کشور و نیز سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و شکوفاسازی و به ثمر نشاندن ظرفیت‌های مردمی به‌ویژه جامعه نخبگانی کشور در دستیابی به اهداف کلان قرارگاه، از اهم انتظارات این‌جانب است. بدیهی است همه دستگاه‌های توسعه‌ای مرتبط با موضوع موظف هستند حداکثر همکاری را با جناب‌عالی به عمل آورند. فهرست طرح‌های ملی و راهبردی به پیوست این حکم ابلاغ خواهد شد. توفیقات روزافزون آن جناب را در انجام شایسته وظایف محوله از درگاه خداوند سبحان خواستارم.

### ادعای جدید ترامپ: ایران ۲ ماه تا سلاح هسته‌ای فاصله داشت!

رئیس‌جمهور ایالات متحده بار دیگر در اظهاراتی بی‌اساس مدعی شد که جمهوری اسلامی ایران فقط دو ماه تا دستیابی به سلاح هسته‌ای فاصله داشته است. به گزارش ایسنا، «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور ایالات متحده، بار دیگر ادعای بی‌اساس خود مبنی بر تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای را تکرار کرد و گفت: «ایران ظرف دو ماه به سلاح هسته‌ای دست پیدا می‌کرد». این اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا در حالی بیان می‌شود که پیش از حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران، نهادهای اطلاعاتی ایالات متحده هیچ نشانه‌ای از تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای مشاهده نکرده بودند. ترامپ همچنین اعلام کرد که نمایندگان ایالات متحده چهارشنبه (دیروز) با مقامات روسیه دیدار می‌کنند. ترامپ این را در حالی بیان کرد که «استیو ویتکاف»، فرستاده ویژه ترامپ، ساعاتی پیش وارد مسکو شد. درباره جنگ اوکراین، رئیس‌جمهور آمریکا، گفت: «این یکی چیزی است که بیش از همه روی آن کار می‌کنیم. بقیه را ظرف چند روز متوقف کردم». ترامپ تا روز جمعه به مسکو فرصت داده تا به توافق با اوکراین و پایان جنگ راضی شود، یا برای تبعات آن -یعنی تحریم‌های اقتصادی آمریکا- آماده شود. او همچنین در پاسخ به سؤال خبرنگاری مبنی بر اینکه آیا از اشغال کامل غزه از طرف رژیم صهیونیستی حمایت می‌کند، گفت: «این بستگی به تصمیم اسرائیل دارد». او درعین‌حال از اظهار نظر مستقیم در مخالفت با چنین اقدامی خودداری کرد.ترامپ در بخش دیگری از اظهاراتش به «جی‌دی ونس»، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، اشاره کرد و گفت: «جی‌دی ونس محتمل‌ترین جانشین من است. اما هنوز برای صحبت دراین‌باره زود است».